

A Theoretical Framework for Local Development Process from the Viewpoints of Community-Based Development Activists in Iran

Alireza Nafissi¹ Post-Doctoral Researcher, Sharif Policy Research Institute, Sharif University Technology, Tehran, Iran.

Seyed Hossein Akhavan Alavi² Assistant Professor, Faculty of Accounting and Management, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran (Corresponding Author).

Ali Maleki³ Assistant Professor, Sharif Policy Research Institute, Sharif University of Technology, Tehran, Iran

Received: 05/03/2023 | Accepted: 06/07/2023

Abstract

Purpose: Authors intended to identify the main bases of local development and present a framework for better understanding of its theoretical process from the perspective of the activists in the community-based development process in Iran.

Methodology: This qualitative research used the Grounded Theory method. Data were collected from deep interviews with community-based development activists in five successful case studies in Iran and then were analyzed.

Findings: The results, validated by respondent validation and triangulation methods, demonstrate that local development with a community-based approach is appreciated by Iranian activists more of a human and social phenomenon than an economic, political, and environmental issue. Results also show that human capital is identified by concepts like accountability, proactiveness, and psychological empowerment rather than the common indicators emphasized by international organizations. Moreover, social capital and participation are evaluated by such concepts as positive relations, collective actions, positive norms, bridging social capital, and by institutionalization and mobilization of national resources. The final theoretical framework of the article shows that both human capital and social capital not only enhance local participation which can improve economic, political, and environmental indicators, but also are themselves promoted through the reinforcing loops and consequently can enable the ongoing running of the development engine.

Originality: Despite the considerable literature existing on community-based development, the authors could not reach any published article involving relations among fundamental concepts of community-based development in Iran, nor did they come across a general understanding of its process by the relevant activists. The suggested framework in this paper well supports the understanding of the process.

Keywords: Local Development, Community-Based Development, Community-Based Organization, Iran, Grounded Theory.

1. alireza.naficy401@sharif.edu

2. akhavan_alavi@ut.ac.ir

3. a.maleki@sharif.edu

عنوان مقاله: چارچوب نظری فهم فرایند توسعه محلی از دیدگاه

فعالان جریان توسعه اجتماع محور در ایران

علیرضا نفیسی^۱، سیدحسین اخوان علوی^۲، علی
ملکی^۳

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

چکیده:

هدف: در این پژوهش سعی شده پایه‌های اصلی توسعه محلی و چارچوب نظری فهم فرایند آن از دیدگاه فعالان جریان توسعه اجتماع محور در ایران معرفی شود.

طرح پژوهش / روش‌شناسی / رویکرد: این پژوهش از نوع کیفی و با روش نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. داده‌های مربوط به پنج نمونه موفق توسعه محلی، از مصاحبه‌های عمیق با فعالان توسعه اجتماع محور جمع‌آوری و تحلیل شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در جریان توسعه محلی با رویکرد اجتماع محور، جنبه‌های انسانی و اجتماعی بیش از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، و زیست‌محیطی مورد تأکید هستند. نتایج روشن می‌کند که در جامعه ایرانی، سرمایه انسانی بیش‌تر با مسئولیت‌پذیری، فعال بودن، و توانمندسازی روانی فهم می‌شود تا با شاخص‌های متعارف سازمان‌های بین‌المللی. همچنین در اکثر موارد، سرمایه اجتماعی و مشارکت به‌ترتیب با شاخص‌های روابط مثبت، اقدام‌های جمعی، هنجارهای مثبت، و سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و با شاخص‌های نهادسازی و بسیج دارایی‌های بومی اندازه‌گیری می‌شوند. چارچوب نظری پژوهش نشان می‌دهد سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی نه تنها به افزایش مشارکت و در نتیجه ارتقای شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، و محیطی منجر می‌شوند، بلکه از طریق حلقه‌های تقویت‌کننده در این فرایند رشد می‌کنند و تداوم حرکت موتور توسعه را امکان‌پذیر می‌سازند.

ارزش / اصالت پژوهش: ادبیات قابل توجهی درباره توسعه محلی تولید شده، ولی در بستر کشور ایران تاکنون به چگونگی ارتباط میان مقوله‌های اساسی توسعه محلی و به‌طور کلی به فهم فرایند آن از دیدگاه فعالان توسعه اجتماع محور پرداخته نشده است. این پژوهش از چارچوب نظری توسعه داده‌شده برای فهم فرایند مذکور پشتیبانی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: توسعه محلی، توسعه اجتماع محور، سازمان اجتماع محور، ایران، نظریه داده‌بنیاد

۱. پژوهشگر پسادکتر، پژوهشکده سیاستگذاری، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران.

alireza.naficy401@sharif.edu

۲. استادیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول).

akhavan_alavi@ut.ac.ir

۳. استادیار، پژوهشکده سیاستگذاری، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران.

a.maleki@sharif.edu

واژه توسعه در معانی، برنامه‌ها، و رویکردهای بسیار متفاوت و حتی متناقض در جهان و ایران به کار رفته است. در قرن اخیر، اغلب اقداماتی که در ایران توسعه نامیده شده را می‌توان با ویژگی‌های «بالا به پایین» و «نوسازی (مدرنیزاسیون) شتابان» توصیف کرد. آن‌ها از بالا به پایین بودند، زیرا همیشه دولت با استفاده از قدرت قابل توجه و منابع بسیار زیاد در اختیار — به‌ویژه با فروش منابع طبیعی و به‌طور مشخص نفت و گاز — عامل اصلی تغییر بوده است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳). همچنین، می‌توان آن‌ها را نوسازی شتابان نامید، زیرا به‌طور مشخص تمرکزشان بر تامین زیرساخت‌ها و صنعتی‌سازی‌های گسترده بوده است تا هدف تغییر از «کشور در حال توسعه» به «کشور توسعه‌یافته» به استناد شاخص‌های کمی و عمدتاً اقتصادی تعقیب شود.

توسعه محلی فرایندی چندبعدی با موضوع بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع محلی (روستایی) است (Ahmadi Shapourabadi & Mottaghi, 2022). تحقق چنین توسعه‌ای نیازمند دگرگونی در ساختارهای، نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که به تغییرهای اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی روستاییان منجر می‌شود. اگرچه اجتماعات محلی ایران همه در یک وضعیت نیستند، اما با نگاه به برخی از آخرین شاخص‌های ملی، به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان به بیش‌هایی کلی از وضعیت توسعه دست یافت. در مورد زیرساخت‌ها، بر اساس گزارش مراجع معتبر جهانی (UNDP, 2022) ایران کشوری با جمعیتی بیش از ۸۰ میلیون نفر است که ۹۵ درصد آن به آب آشامیدنی سالم، ۸۸/۳ درصد به تسهیلات و خدمات بهداشتی، و ۱۰۰ درصد جمعیت در مناطق روستایی به برق دسترسی دارند. تقریباً تمام مناطق کشور ایران از پوشش تلفن همراه برخوردار است و بسیاری از مناطق روستایی، اکنون به شبکه‌های داده تلفن همراه با سرعت بالا دسترسی دارند. در آموزش و پرورش، ۸۵ درصد بزرگسالان باسواد هستند. ثبت نام در دبستان حدود ۱۰۰ درصد و میانگین سنوات تحصیلی حدود ۱۰ سال است که برای دختران و پسران تقریباً یکسان است. از نظر سلامت، امید به زندگی در بدو تولد حدود ۷۶ سال و برای زنان ۲ سال بیش‌تر از مردان است. تنها ۱ درصد از کودکان یک‌ساله، فاقد واکسیناسیون هستند و میزان مرگ‌ومیر برای کودکان زیر پنج سال ۱/۵ درصد است. شاخص توسعه انسانی یا HDI^۱ برای ایران حدود ۰/۸۰ (در سطح کشورهای «بسیار توسعه‌یافته») و شاخص توسعه انسانی تعدیل‌یافته بر اساس نابرابری یا IHDI^۲ ۰/۷۱ است (بسیار بالاتر از

1. Human Development Index

2. Inequality –Adjusted Human Development Index

۵۸/۰ میانگین جهانی). در شاخص‌های اقتصادی، سرانه تولید ناخالص داخلی ایران (شاخص برابری قدرت خرید) ۱۲۹۳۷ دلار است که در گروه کشورهایی با درآمد متوسط به بالا (بر اساس دسته‌بندی بانک جهانی) قرار می‌گیرد (World Bank, 2022)، اما سهم بزرگی از درآمد مذکور ناشی از درآمد نفت و گاز است. شاخص فقر ایران در سال ۲۰۱۷ میلادی ۱۰/۹ درصد و ضریب جینی ۴۰/۸ درصد محاسبه شده است.

این آمارها تصویری از وضعیت توسعه و نیازهای ایران را به ما نشان می‌دهد. ولی نگاه عمیق‌تر به درون این جامعه، نتایج متفاوتی را از مداخلات نوسازی در نیم‌قرن اخیر نسبت به آن تصویر نسبتاً خوب از شاخص‌های ملی نشان می‌دهد. تعداد بسیاری از مناطق روستایی با زیرساخت‌ها و امکانات مدرن، در حال حاضر کاملاً خالی از سکنه شده‌اند. نسبت جمعیت روستایی از اکثریت ۶۶ درصد در سال ۱۳۳۹ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. همان‌طور که رفیع‌پور (۱۳۷۷) و دیگر پژوهشگران مانند عنبری (۲۰۱۶) و کاتوزیان (۱۹۷۴) نشان دادند، اگرچه برنامه‌های توسعه (شامل برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب اسلامی تا برنامه‌های توسعه پس از آن و اقدامات فراوان در راستای توسعه روستایی)، رفاه بیش‌تر جامعه روستایی و تامین نیازهای اولیه آن‌ها را به همراه داشت، ولی در بلندمدت اثرات ناخواسته زیان‌باری در وابستگی بیش‌تر جوامع روستایی به تولیدات صنعتی بیرونی، تخریب معیشت سنتی، و ایجاد نیازها و خواسته‌های جدید در پی داشت. نتیجه این فقر و احساس محرومیت نسبی، مهاجرت بیش‌تر روستاییان به شهرها برای یافتن شغل و زندگی راحت‌تر بود. نکته مهم مورد نظر در پژوهش حاضر آن است که بدانیم چگونه برنامه‌های برون‌زا، موتورهای درونی توسعه را با تضعیف عوامل سازنده انسانی مانند مولد بودن، عزت، هویت، تاب‌آوری، اعتماد به نفس، و عوامل اجتماعی مانند همکاری و هنجارهای مشترک از بین بردند. در دو دهه اخیر، گفتمان رو به رشدی در میان سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی در ایران وجود داشته است که شکلی از توسعه مبتنی بر اجتماع را برای روستاها و اجتماعات محلی تجویز می‌کرد. گفتمان جدید اگرچه در میان فعالان حوزه توسعه در ایران بسیار فراگیر شده، اما شکاف آن جاست که مشخص نیست مفاهیم کلیدی توسعه اجتماع‌محور — با رویکرد پایین به بالا و با بسیج سرمایه‌های داخلی مانند سرمایه اجتماعی و مشارکت که به دلیل ابهام و زمینه‌مند بودن مورد انتقاد هستند (Mansuri & Rao, 2004) — نزد کنشگران اجتماعی ایران چگونه درک و اندازه‌گیری می‌شوند؟ مسئله‌ای که کم‌تر در نشریات دانشگاهی و در مجلات علمی به تصویر کشیده شده است. با توجه به این پیشینه، سهم مهم پژوهش حاضر آن است که چارچوب نظری فهم فرایند توسعه محلی را از دیدگاه فعالان جریان توسعه‌محور در جمهوری اسلامی ایران تبیین می‌کند.

توسعه مبتنی بر اجتماع یا CBD^۱

از دهه ۱۹۶۰ میلادی، نظریه‌های صنعتی شدن، نوسازی، و توسعه مطرح و عموماً توسط سازمان‌های بین‌المللی در کشورهای جنوب اجرا شد. اما کمتر از دو دهه طول کشید تا جنبه‌های تاریک شیوه‌های اجرای آن‌ها آشکار و شناسایی شوند. انتقادهای زیادی درباره‌ی روش‌های سنتی توسعه در سراسر جهان وجود دارد (Mansuri & Rao, 2012)، زیرا آن روش‌ها نه تنها اثر مورد انتظار را نداشته‌اند، بلکه با وابسته و منفعل کردن کشورهای جنوب، آسیب‌های جانبی زیادی را به بافت اجتماعی آن‌ها وارد کرده‌اند (Davis & Wali, 1993; Midgley, 1981). همچنین، برخی از پژوهشگران به این واقعیت توجه کردند که چگونه برنامه‌های صنعتی‌سازی و نوسازی پس از معرفی شیوه‌های جدید حکمرانی (از جمله تاسیس نهادهای جدید)، تولید، و تامین مالی باعث تخریب نهادهای محلی، اقدامات جمعی، و اعتماد اجتماعی شدند (Bhattacharyya, 2004). با این حال، بسیاری از این نهادهای جدید، پس از گذشت چندین دهه از تاسیس‌شان، هنوز در اقتصادهای در حال گذار به‌طور موثر کار نمی‌کنند. در نتیجه، موج جدید رویکردهای مشارکتی، پایین به بالا، و قابلیت‌محور به توسعه با تاکید بر مفاهیمی مانند مشارکت، سرمایه اجتماعی، و توانمندسازی در دهه ۱۹۸۰ میلادی به‌وجود آمد (Mansuri & Rao, 2004). مکتب اجتماع‌محور نیز در این موج با اشکال و انواع مختلف آغاز شد (Rosato, 2015). رویکردی که اجتماع را به عنوان عامل اصلی تغییر می‌شناسد (Bhattacharyya, 2004) و کل نظام و زیست‌بوم اجتماع را به عنوان سطح تحلیل و مداخله در نظر می‌گیرد (Golden & Earp, 2012; Merzel & D'Afflitti, 2003; Sandfort & Bloomberg, 2012).

در میان انواع سرمایه‌ها و دارایی‌ها، سرمایه‌های انسانی و اجتماعی توجه بیش‌تری را در ادبیات توسعه اجتماع‌محور به خود جلب کرده‌اند (Bhattacharyya, 2004; Mathie & Cunningham, 2003; Roseland, 2000; Israel *et al.*, 1998; McLeroy *et al.*, 2003). این سرمایه‌ها هم به عنوان پایه‌ها و هم نتایج توسعه شناخته می‌شوند (Frank & Smith 1999; Emery & Flora 2006) و نیاز به حداقلی از «ذخیره یا انباشت» آن‌ها به عنوان پیش‌نیاز فرایند توسعه وجود دارد (Mansuri & Rao, 2012; Evans, 1996). این سرمایه‌ها را نمی‌توان از بیرون جذب کرد، هرچند حضور آن‌ها وسیله رشد سایر سرمایه‌ها حتی از خارج را فراهم می‌کند (Emery & Flora, 2006).

1. Community Based Development

مطابق با ادبیات و تعاریف رایج سرمایه اجتماعی (Putnam et al., 1992) و سرمایه انسانی (Sen, 1999)، این جا یک «دیدگاه سیستمی» به اجتماعات اتخاذ می‌کنیم که در آن‌ها ارزش از طریق «اجزای اجتماع (سرمایه انسانی) و «روابط» آن‌ها (سرمایه اجتماعی) ایجاد می‌شود. یعنی، نخست این که اجزا یا سرمایه‌های انسانی ممکن است با به عهده گرفتن عاملیت و مسئولیت و توانمندتر و ماهرتر شدن و بازسازی تصویر و هویت خود به توسعه کمک کنند (Akerlof Kranton, 2010). — بنابراین، روشن است که سرمایه انسانی دارای طیف وسیعی از معانی است که یکی از اهداف این پژوهش بررسی بیش‌تر شاخص‌های اصلی این مفهوم گسترده در ایران است. دوم این که روابط مولد میان اجزای اجتماع مانند هنجارهای مثبت، اعتماد، و تعهد متقابل نیز بخشی از فرایند توسعه هستند. با این حال، سرمایه اجتماعی اصطلاحی کلی است که اغلب به دلیل مبهم بودن، عدم انعکاس پیچیدگی‌های موجود در دنیای واقعی، و همیشه مثبت نبودن برای اهداف توسعه، مورد انتقاد قرار می‌گیرد (Mansuri & Rao, 2004; Kilpatrick et al., 2003). در این پژوهش نشان خواهیم داد که نظر فعالان اجتماعی در ایران درباره شاخص‌های توسعه اجتماع محور و ارتباط آن‌ها با سرمایه اجتماعی چیست؟ و گلوگاه‌های خاص در این زمینه چه هستند؟

فرایند مشارکت در سازمان‌های اجتماع محور (CBO)^۱

سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی چگونه به توسعه منجر می‌شوند؟ به نظر می‌رسد دیدگاه توسعه مبتنی بر سرمایه ایستاست و برای توضیح پویایی‌های تقویت‌کننده فرایند توسعه کفایت نمی‌کند. توسعه پدیده‌ای نیست که با وجود سرمایه یا دارایی کافی به‌طور ناگهان اتفاق بیفتد، حتی اگر آن سرمایه‌ها نه از جنس سرمایه‌های مادی، بلکه سرمایه‌های اجتماعی و انسانی باشند. تصور کنید که در یک اجتماع، سرمایه اجتماعی بالایی وجود داشته باشد (چنان که در بیش‌تر اجتماعات کوچک مانند روستاها این تصور واقعیت دارد). یعنی افراد از هم شناخت خوبی داشته باشند و از اعتماد و علاقه و احساس هویت مشترک برخوردار باشند. اما این سرمایه اجتماعی بالا تا زمانی که به سوی اهداف اجتماع بسیج نشود، یعنی به خدمت حل مسائل آن درنیاید، عملاً به توسعه منجر نمی‌شود. به عبارت مشخص، صرف وجود سرمایه اجتماعی بالا، شاید برای حرکت توسعه‌ای شرط لازم باشد، ولی شرط کافی نیست (مانند این است که بگوییم سوخت خودرو عامل لازم برای حرکت آن است، اما تا زمانی که طی فرایندهای لازم در موتور مصرف نشود، حرکتی اتفاق نمی‌افتد). ما معتقدیم که مفهوم رایج «مشارکت» در ادبیات، چیزی است که این تغییر تدریجی و تکوینی را توضیح می‌دهد. مشارکت، «فرایند» بسیج سرمایه‌ها در

1. Community Based Organization

راستای اهداف توسعه است. مشارکت صرفاً به معنای حضور افراد نیست، بلکه «ساخت واقعیت» است (Harris, 2010; Murphy, 2014; Chambers, 1994). واقعیتی که در برنامه‌ریزی توسعه، موجب یکپارچگی افقی و عمودی می‌شود (Gholipour Moghadam et al., 2022).

مشارکت، فرایند ادراک بین‌الذهانی مسائل و شکاف‌هاست که با استفاده از «علم مردم»، راه‌حل‌های جمعی ارائه می‌کند که بهترین تناسب را با گذشته آن‌ها و انگیزه‌بخش‌ترین تصاویر از آینده‌شان دارد (Murphy, 2014; Srivastva & Cooperrider, 1987). در حقیقت، توسعه را کسی به اجتماع نمی‌آورد، بلکه در حین تعاملات و فعالیت‌های جدید جامعه و بسیج منابع تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، توسعه یک متغیر حالت نیست، بلکه یک فرایند همیشگی «شدن» است که به تدریج تکامل می‌یابد، زیرا اجتماع با تجربه و تأمل جمعی در طول زمان به یادگیری جمعی بیش‌تری دست می‌یابد (Pigg, 1999). ما این فرایند را حرکت «موتور توسعه» می‌نامیم تا بر ماهیت پویای آن تأکید کنیم. در این استعاره، سوخت مورد نیاز برای حرکت موتور، سرمایه‌های قابل‌دسترس، به‌ویژه سرمایه‌های اجتماعی و انسانی است. هرچه موتور بیش‌تر از سوخت (سرمایه‌ها) تغذیه کند (مشارکت)، سرعت حرکت آن (توسعه) بیش‌تر می‌شود. وضعیت سرمایه‌ها و نسبت مشارکت، هم وسیله و هم هدف توسعه تلقی می‌شود، هدفی برای هر مرحله از توسعه و در عین حال وسیله‌ای برای ادامهٔ روند. با استفاده از این استعاره، اکنون می‌توانیم سه پویایی اصلی را در چارچوب نظری پیشنهادی خود معرفی کنیم:

پویایی یکم، دو ویژگی استثنایی در سرمایه‌های اجتماعی و انسانی وجود دارد که به آن‌ها جایگاه ویژه‌ای در پویایی نظری توسعه اجتماع‌محور می‌دهد: هرچه بیش‌تر مورد استفاده/ سرمایه‌گذاری قرار گیرند، بیش‌تر رشد می‌کنند. علاوه بر این، اگر کم‌تر از آن‌ها استفاده شود، کاهش می‌یابند. این دقیقاً برعکس اتفاقی است که برای انواع دیگر سرمایه‌ها و دارایی‌های مادی می‌افتد، یعنی با مصرف کاهش می‌یابند (Roseland, 2000). دو ویژگی مورد نظر، قانون جهانی «بازده نزولی» را نقض می‌کنند (فرهادی، ۱۳۸۸). بنابراین، نه‌تنها این سرمایه‌ها باعث مشارکت بیش‌تر و در نتیجه حرکت زیاده‌تر موتور توسعه می‌شوند، بلکه مشارکت بیش‌تر نیز باعث افزایش این سرمایه‌ها می‌شود. این «حلقه‌های تقویت‌کننده» بخش مهمی از نظریه توسعه اجتماع‌محور را تشکیل می‌دهند. به همین ترتیب، می‌توان نشان داد که بر اساس ویژگی استثنایی دوم، اگر مشارکت متوقف شود، دو حلقه منفی ایجاد می‌شود.

پویایی دوم، روابطی بین کارکرد بیش‌تر موتور و رشد سایر سرمایه‌های اجتماع وجود دارد. همان‌طور

که برخی از نویسندگان توضیح داده‌اند، سرمایه‌های انسانی و اجتماعی نقش اساسی در معکوس کردن «ماریپچ نزولی» در جوامع فقیر بازی می‌کنند (Emery & Flora, 2006; Myrdal, 1957) و سرمایه‌های بیش‌تری از اشکال مختلف دیگر را ایجاد می‌کنند. برای مثال، داشتن سرمایه مالی بدون مهارت و تخصص کافی، نه‌تنها کار نمی‌کند — حتی ممکن است وضعیت را بدتر کند و بهره‌وری را از بین ببرد — ولی داشتن سرمایه مالی مکمل سرمایه‌های انسانی است و آن‌ها را قادر به هم‌افزایی می‌کند. از این‌رو، در صورت انباشت کافی سرمایه انسانی، می‌توان سرمایه مالی را برای ایجاد ثروت بیش‌تر سرمایه‌گذاری کرد.

پویایی سوم، اکنون آشکار است که توسعه اجتماع‌محور فقط یک «وضعیت یا حالت ایستا» نیست که در نهایت اجتماع به آن دست پیدا کند، بلکه ماهیتاً از جنس «فرایند» مداوم حرکت موتور است که از طریق مشارکتِ نهاده‌یافته شده تحقق می‌یابد. تعهد و مسئولیت‌پذیری مردم همراه با هنجارهای اجتماعی تثبیت‌شده باعث نهاده‌یافته شدن مشارکت و پایداری آن می‌شود. این وضعیت نهادی توسط پژوهشگران، با اسامی مختلفی مانند انجمن‌ها (Mathie & Cunningham, 2003)، هیئت مشاوران اجتماع (Merzel & D'Afflitti, 2003)، و سازمان اجتماع‌محور (Murphy, 2014) معرفی شده‌اند. در این‌جا ما از اصطلاح سازمان اجتماع‌محور استفاده می‌کنیم. سازمان اجتماع‌محور به یک گروه اجتماعی سازمان‌یافته متشکل از اعضای اجتماع هدف گفته می‌شود که از درون اجتماع برای حل مسائل خود حرکت می‌کند و محیط امن و حمایتی را برای مشارکت گفتگومانی در فرایند توسعه فراهم می‌سازد (Westoby, 2014). چیزی که واتکینز و شولمن^۱ (۲۰۱۰) آن را «فضای گذار»^۲ برای تامل، خلاقیت، و قدردانی می‌نامند.

از آن‌جا که با بررسی ادبیات سال‌های اخیر مشخص شد که در زمان اجرای پژوهش حاضر، پژوهشی با هدف پاسخ به پرسش‌های اصلی و ارائه چارچوب نظری فهم فرایند توسعه محلی در جمهوری اسلامی ایران انجام نشده است، برای پر کردن خلأ مذکور، سعی شده با استفاده از روش پژوهش کیفی نظریه داده‌بنیاد و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه‌های عمیق با فعالان جریان توسعه‌محور در ایران، هر یک از مفاهیم کلیدی توسعه اجتماع‌محور و پویایی‌های آن‌ها و نیز نقش سازمان‌های اجتماع‌محور در توسعه محلی عمیق‌تر بررسی شود.

1. Watkins & Shulman
2. Liminal Space

روش‌شناسی پژوهش

برای بازشناسی مفاهیم چارچوب نظری و پویایی آن مفاهیم در ایران، با ۲۳ فعال باتجربه توسعه اجتماع‌محور در روستاهای ایران از اردیبهشت تا شهریور ۱۳۹۷ مصاحبه شد. این افراد شامل منتخبی از تحلیلگران، دست‌اندرکاران، و فعالان محلی بودند. ابتدا به دنبال صاحب‌نظران و تحلیلگران فعال و باتجربه در گروه‌های برخط سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی گشتیم. به برخی از این افراد برای مصاحبه دسترسی پیدا کردیم (در مجموع هشت نفر). از آن‌ها خواستیم با توجه به چارچوب مورد نظر از مفهوم اجتماع‌محور، بهترین اقدامات مداخله در توسعه اجتماع‌محور و خبره‌ترین سازمان‌های اجتماع‌محوری را که در ایران دیده‌اند معرفی کنند. این مهم ما را به گروه دوم ده نفری از کنشگران کلیدی در پنج نمونه از این سازمان‌های اجتماع‌محور موفق سوق داد. پراکندگی این پنج سازمان اجتماع‌محور به این شرح بود: (۱) ایل ابوالحسنی (مستقر در منطقه خارتوران شهرستان بیارجمند استان سمنان)، (۲) روستای باسفر (شهرستان رشت‌خوار استان خراسان رضوی)، (۳) منطقه گلباف (از بخش گلباف شهرستان کرمان استان کرمان)، (۴) روستای لزور (شهرستان فیروزکوه استان تهران)، و (۵) روستای محمدآباد پسکوه (شهرستان قائنات خراسان جنوبی). تمامی سازمان‌های اجتماع‌محور طبق ویژگی‌های بیان‌شده در بخش ادبیات نظری، شامل جمعی از اهالی اجتماع محلی بودند که نوعی از تصمیم‌گیری و نظارت بر اجرا را در فرایند حل مسئله بر عهده گرفته‌اند. این سازمان‌ها شامل: شورا و صندوق معیشت پایدار در ایل ابوالحسنی، باشگاه کشاورزان جوان روستای باسفر، خانه توسعه گلباف در منطقه گلباف، شورای هماهنگی در روستای لزور، و ستاد برنامه‌ریزی و نظارت در روستای محمدآباد بودند. در مرحله سوم، از کنشگران خواستیم که یک فعال محلی را در هر سازمان اجتماع‌محور معرفی کنند که به پنج مصاحبه دیگر منجر شد (نمونه‌گیری گلوله برفی). این روش نمونه‌گیری فرصتی را برای ما فراهم کرد که از دیدگاه‌های مختلف بهره‌مند شویم، داده‌های غنی‌تری جمع‌آوری و یافته‌ها را سه‌سویه‌سازی یا اعتبارسنجی کنیم. در مجموع با ۱۵ نفر فعال و کنشگر کلیدی مصاحبه شد. از هر مصاحبه‌شونده در مورد الگوی مطلوب تغییر، چرایی مطلوب بودن آن، و نقش مشارکت و سازمان اجتماع‌محور در آن الگو (پویایی بین مفاهیم کلیدی) سوال شد. همچنین، از آن‌ها خواسته شد که تصویر ذهنی خود را از این که یک جامعه توسعه‌یافته چگونه است، توصیف کنند. پس از هر مصاحبه، بدون درنگ کار پیاده‌سازی انجام شد. علاوه بر مصاحبه‌ها، از مجموعه‌ای از فیلم‌ها و صوت‌های سخنرانی فعالان توسعه در ایران، همراه با برخی اسناد و گزارش‌های منتشرشده از بهترین برنامه‌های توسعه روستایی در کشور و داده‌های نشست‌ها و کنفرانس‌ها دربارهٔ موارد عملی در ایران استفاده شد. جمع‌آوری داده‌ها با در نظر گرفتن چارچوب و سوالات

پژوهش تا زمان اشباع ادامه یافت. تمامی داده‌ها با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد (Goulding, 2002) کدگذاری و تحلیل شدند و از کدها برای بازشناسی مفاهیم و تعیین روابط میان آن‌ها استفاده شد. بنابراین، نتایج به‌دست‌آمده را می‌توان در دو بخش طبقه‌بندی کرد: نخست، متغیرهایی که مفاهیم کلیدی چارچوب پیشنهادی را توصیف می‌کنند. دوم، روابط بین این متغیرها — یعنی پویایی آن‌ها — به‌ویژه نحوه عملکرد سازمان‌های اجتماع‌محور برای تحقق متغیرهای توسعه‌ای کشف‌شده.

لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵)، روش‌ها و معیارهای اعتبار پاسخگو^۲، زاویه‌بندی^۳، و اتکاپذیری^۴ را برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی ارائه کردند که به ترتیب دو روش یکم و دوم می‌توانند معادل اعتبار و روش سوم می‌تواند معادل پایایی در پژوهش‌های کمی باشد. در این پژوهش، از روش اعتبار پاسخگو با کنترل اعضا^۵ که در واقع بازگرداندن نتایج و استنتاج پژوهشگران به مصاحبه‌شوندگان است و روش زاویه‌بندی که به این معناست که در پژوهش از بیش از یک منبع داده استفاده می‌شود، برای اعتبارسنجی استفاده شد. از مجموع هفت نفر از مطلع‌ترین افراد حاضر در برنامه توسعه محلی، پنج مورد نظرات خود را ارسال کردند و هیچ مخالفتی با استنتاج و نتایج ابراز نشد. همچنین، علاوه بر مصاحبه‌های عمیق، از گزارش‌ها و مستندهای دیگری نیز برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. بنابراین، می‌توان استنتاج و نتایج را معتبر دانست. در خصوص پایایی سنجی از روش آزمون تشخیص^۶ استفاده شد. مطابق این روش، فرایند و نتایج پژوهش برای پژوهشگران و صاحب‌نظران دانشگاهی داخل و خارج کشور ارائه شد و نظرات آن‌ها اخذ گردید و تا حد ممکن اعمال شد. پس فرایند و نتایج پژوهش از اتکاپذیری یا پایایی لازم برخوردار است.

بحث و بررسی مفاهیم کلیدی و پویایی آن‌ها در ایران

در بخش ادبیات موضوعی، چارچوب نظری این پژوهش مشتمل بر مفاهیم کلیدی توسعه محلی اجتماع‌محور — یعنی سرمایه‌های اجتماعی و انسانی و مشارکت در سازمان‌های اجتماع‌محور — معرفی شد و وضعیت توسعه، یعنی نحوه روابط آن مفاهیم با یکدیگر تشریح گردید. برای درک تاثیرات مثبت این تعاملات، ابتدا باید چگونگی درک این مفاهیم را در کشور ایران دقیقاً بدانیم. برای پی بردن به تصویر توسعه در ذهن فعالان ایرانی، سوالاتی در مورد وضعیت مطلوب و شاخص‌های کلیدی موفقیت که باعث توسعه محلی می‌شود، پرسیده شد. پاسخ‌ها یا مواردی که

1. Lincoln & Guba
2. Respondent Validation
3. Triangulation
4. Dependability
5. Member Check
6. Auditing Approach

ممکن است در خلال مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره کرده باشند، ثبت شد. در جدول (۱)، مفاهیم و کدهای نهایی ذیل پایه‌های اصلی توسعه محلی اجتماع محور مستخرج از چارچوب نظری پژوهش نشان داده شده است. این شاخص‌ها به ما می‌گویند اصطلاحات کلی و مبهم مانند سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، و مشارکت در نگاه فعالان اجتماعی ایران چه معنایی دارند.

جدول ۱: مقوله‌ها یا شاخص‌های توسعه محلی اجتماع محور در ذهن فعالان ایرانی
(طبقه‌بندی شده به وسیله مفاهیم اصلی در چارچوب نظری پژوهش. عبارات ذیل مفاهیم برجسته شده، کدهای نهایی مورد استفاده مصاحبه‌شوندگان هستند)

شاخص‌های سرمایه انسانی (سطح فردی)	شاخص‌های سرمایه اجتماعی (سطح اجتماع)	شاخص‌های مشارکت (خلق واقعیت)
هویت یابی و مسئولیت‌پذیری دغدغه‌مندی نسبت به توسعه محل زندگی (۱)*، مسئولیت‌پذیری در رابطه با جامعه (۲)، باورهای دینی و انقلابی (۱)، افتخار به زندگی روستایی (۲)، نقش‌پذیری (۱)، احساس غیرت نسبت به زادبوم (۱)، ارزشمند دانستن کار در روستا (۱)، استفاده از دانش و نظام‌های بومی (۱). داشتن عزم و فعال بودن فعال، دنبال تغییر، و پیگیر (۱)، روحیه و انگیزه کارآفرینی (۲)، جوانان فعال (۱)، افراد فعال محلی (۱)، عزم راسخ برای مدیریت امور خود (۱)، بی تفاوت نبودن نسبت به مداخلات (۲)، قطع نگاه از دولت (۴). توانمندسازی روانی باور به سرمایه‌های درونی خود (۱)، خودباوری و اعتماد به نفس (۹)، امید (۱)، احساس عاملیت (۲)، خوداتکایی/عدم اتکا به خارج (۳)، عزت نفس (۱). دانش و مهارت توانمندی کشف مسائل (۱)، آموزش کودکان (۲)، سواد (۱)، مهارت‌های شغلی (۶)، آشنایی اجتماع با فرایند تصمیم‌سازی تا ارزیابی (۱)، توانمندی‌ها (۳)، فهم مسائل محیط‌زیست (۲)، توانمندی مدیریت منابع طبیعی (۱)، سطح دانش و اطلاعات تخصصی (۱)، شناخت حقوق قانونی خود (۲)، شکوفایی و خلاقیت اجتماع (۱).	روابط مثبت اعتماد بالا (۳)، اختلافات کم (۱)، بدگویی و تهمت کم (۱)، انسجام اجتماعی (۲)، رفاقت و دوستی (۲)، هویت جمعی (۲)، برادری (۱). اقدام جمعی همکاری (۲)، همیاری (۴)، هم‌آموزی (۲)، قرض‌الحسنه برای حل مشکلات اجتماع (۲)، کار تیمی (۱). هنجارهای مثبت وجود نظام‌های اجتماعی و قواعد عرفی مفید در مسائل مختلف (۳)، توجه به دیگران (۱)، پشتیبانی از یکدیگر (۱)، ارزشمندی مشاغل مولد در روستا (۲). سرمایه اجتماعی بین‌گروهی توانمندی احقاق حقوق خود از دولت (۳)، شبکه‌سازی با افراد بیرونی (۲)، دسترسی به نقاط فروش (۴).	نهادسازی وجود نهادهای مشارکت (۵)، وجود انجمن‌های رسمی و ثبت شده (۲)، وجود اتاق فکر برای مشکلات روستا (۱)، ایجاد کانون‌هایی برای همیاری اجتماعی و مشارکت خانواده‌ها در آن (۲)، مشارکت بالا و تصمیم‌گیری جمعی (۷). بسیج سرمایه‌های درونی تامین مالی جمعی برنامه‌ها (۳)، استفاده از ظرفیت‌های درونی (۴)، استفاده از دانش و نظام‌های مدیریتی بومی (۲)، بسیج نهادهای سنتی روستا در راستای توسعه (۲)، بسیج عمومی در راستای توسعه (۱)، خودکشوفایی اجتماع (۲).

* اعداد داخل پرانتز نشان می‌دهد که کدهای نهایی چقدر در مصاحبه‌ها یا منابع دیگر تکرار شده‌اند.

همه مصاحبه‌شوندگان اصطلاحاتی مانند «سرمایه اجتماعی»، «سرمایه انسانی»، و «مشارکت» را بیان نکردند، اما تقریباً همه آن‌ها شاخص‌هایی را در مورد ویژگی‌های فردی، روابطشان در سطح اجتماع و اقدامات و نهادهای جمعی مورد نظر خود بیان کردند. توضیحات و توصیفات آن‌ها را می‌توان تحت سه مفهوم کلیدی با تعاریف اساسی ارائه‌شده از آن‌ها قرار داد. اکثر آن‌ها بر مجموعه‌ای از شاخص‌ها در جنبه‌ها (نه فقط یک جنبه) و طبقه‌های مختلف تاکید می‌کردند.

سرمایه انسانی. با وجود نگرانی‌های عادی دربارهٔ سرمایه‌های انسانی که بیش‌تر با سطح تحصیلات و مهارت‌های شغلی شناخته می‌شوند (World Bank, 2019; WEF, 2017)، با نگاه کردن به شاخص‌های ستون سرمایه انسانی در ایران، مشخص می‌شود که این شاخص‌ها برای توصیف آن بسیار محدود هستند یا دست‌کم در مناطق محلی ایران به عنوان اولویت اول تلقی نمی‌شوند. در زیر مقوله سرمایه انسانی، فعالان اولاً بر این نکته تاکید می‌کنند که افراد تا چه اندازه با زادگاه خود ارتباط دارند و برای آن اهمیت قائل‌اند و نسبت به اجتماع محلی خود احساس مسئولیت می‌کنند. زیرا احساس محرومیت نسبی — ناشی از ابتکارات مدرنیزاسیون (رفیع‌پور، ۱۳۷۷) — باعث شده که جمعیت فعال روستایی — جوانان — به مهاجرت و انتخاب زندگی شهری و یافتن فرصت‌های شخصی بیش‌تر و رسیدن به منافع فردی بیندیشند. ثانیاً فعالان، میزان فعال بودن و عزم برای تغییر را از دیگر شاخص‌های سرمایه انسانی در فرایند توسعه مطرح کردند. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، بسیاری از مداخلات گذشته دولت، فرهنگ منفعلانه و مصرفی‌تری را به بسیاری از روستاهای ایران تحمیل کرده است. بسیاری از فعالان در بازدیدهای خود از مناطق روستایی به مشاهدات مشابهی اشاره کردند. به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان: «به محض ورود به هر منطقه، مردم نامه نیازهای خود را برای دریافت پول و خدمات می‌آورند. آن‌ها سعی می‌کنند خود را فقیرتر از آنچه واقعاً هستند نشان دهند تا پول آسان و خدمات رایگان را جذب کنند». ثالثاً برخی از شاخص‌های پرتکرار مرتبط با پارامترهای روان‌شناختی مانند امید، عاملیت، کرامت، و اعتماد به نفس هستند. مردم باید خود را قادر به ایجاد تغییر و بهبود ببینند. فعالان مواردی را نشان دادند که چگونه گفتگوهای الهام‌بخشی را با اجتماعات انجام داده‌اند تا حس عاملیت را برای شروع حتی با منابع کمیاب موجود القا کنند. رابعاً، برخی از فعالان مهم شاخص‌های دیگری مانند شایستگی‌های مدیریتی، خرده‌مهارت‌های شغلی، توانمندی‌های سیاسی، و دانش حقوقی و زیست‌محیطی را برشمردند.

سرمایه اجتماعی. اگرچه برخی از مصاحبه‌شوندگان به سابقه درخشان همکاری در مناطق روستایی ایران اشاره کردند، اما همه آن‌ها نگران کاهش اقدامات جمعی در دهه‌های اخیر ناشی از

جابه‌جایی‌های زیاد جمعیت و در نتیجه تخریب کنش‌های جمعی بودند. این نگرانی در ستون دوم **جدول (۱)** منعکس شده است. فعالان از کلماتی استفاده می‌کردند تا اهمیت روابط مثبت مبتنی بر هویت، دوستی و برادری، و تمایل به انجام کارها با همدیگر را به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی توصیف کنند. آن‌ها همچنین انواع مختلفی از اقدامات جمعی را توصیف کردند که بودن با یکدیگر را ارزشمندتر و ضروری‌تر می‌سازد. همچنین برخی‌ها، اهمیت قواعد هنجاری و روش‌های غیررسمی — اما قدرتمند — خودسازماندهی درون اجتماع را به عنوان دیگر شاخص‌ها بیان کردند. علاوه بر این، برخی از پاسخ‌دهندگان بر مفهوم «سرمایه اجتماعی بین‌گروهی»^۱ به عنوان شاخصی تعیین‌کننده برای دسترسی به منابع و بازارهای خارجی تمرکز کردند. آن‌ها به مسائل ناشی از ناپختگی نهادهای ارتباط با بیرون و مهارت‌های پایین مذاکره و کارآفرینی در بین مردم محلی به عنوان موضوعی فراگیر در جوامع روستایی اشاره کردند. برخی از کنشگران نقش خود — مانند تامین مالی، تامین مواد اولیه و توزیع — را برای ایجاد این نهادها به‌جای هرگونه مداخله مستقیم تعریف کردند.

مشارکت. در ستون سوم **جدول (۱)**، شاخص‌هایی بیان شده است که به وضعیت مشارکت نهادها و نحوه عملکرد آن‌ها در منطقه اشاره می‌کند. همه مصاحبه‌شوندگان در مورد ضرورت مشارکت رسمی (قانونی ثبت‌شده) یا غیررسمی نهادها در هسته طرح‌های توسعه صحبت کردند. این شاخص‌ها، سوالاتی را در نظر می‌گیرند از قبیل این که آیا مردم برای تصمیم‌گیری و تولید منافع اجتماعی دور هم جمع می‌شوند؟ آیا نهادها در موجودیت اجتماعی به‌خوبی ادغام شده‌اند؟ آیا منابع داخلی به‌خوبی در داخل نهاد بسیج شده است؟ مشارکت‌ها چقدر فراگیر هستند؟ آیا هر کسی می‌تواند نظر خود را بیان کند و توانایی‌های خود را در این فرایند بسیج کند؟

علاوه بر شاخص‌های مربوط به مفاهیم کلی، در برخی از مصاحبه‌ها شاخص‌های دیگری نیز مطرح شد. اما با توجه به روش‌ها، اهداف، و حوزه‌های کاری مختلف فعالان، در مورد این شاخص‌ها اتفاق نظر وجود نداشت. این شاخص‌ها در **جدول (۲)** به سه دسته تقسیم شده‌اند.

جدول ۲: سایر شاخص‌های توسعه محلی اجتماع‌محور که توسط برخی از مصاحبه‌شوندگان بسته به حوزه تخصصی‌شان بیان شده‌اند

شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های محیط‌زیستی	شاخص‌های سیاسی
درآمد سرانه و درآمد خانوار (۵)	به‌دست آوردن قدرت	
روتن اقتصادی (۱)	چانه‌زنی (۲)	
اشتغال و کارآفرینی (۵)		
ارتقای بهره‌وری مشاغل موجود (۱)	مدیریت پایدار منابع طبیعی (۱)	علم به حقوق قانونی و
جذب سرمایه (۲)	فضای سبز (۱)	طلب کردن آن (۱)
فرصت‌های برابر برای همه (۱)	مشاغل کم‌آبر (۱)	ارتباط موثر با دولت (۳)
فقرزدایی (۱)	سوخت‌های پاک (۱)	استفاده از ظرفیت‌های بیرون
تولید پایدار (۱)	تغییر الگوی کشت متناسب با	روستا (۲)
معیشت‌های متنوع و پایدار (۱)	نیازها (۲)	استفاده از حمایت
نرخ فقر (۱)		سازمان‌های بیرونی (۲)
خودکفایی مالی فعالیت‌ها (۱)		مشارکت در قانون‌گذاری (۳)
تولید باکیفیت (۱)		

از شاخص‌های جدول (۱) و (۲) می‌توان برای مطالعه یا ارزیابی بخش‌های مختلف فرایند توسعه و پیامدهای آن استفاده کرد. با این حال، بین فعالان اتفاق نظر وجود داشت که شاخص‌های جدول (۲)، نتایج و آثار تصمیمات جمعی صحیح و اقدامات جمعی هستند که در سه پایه توسعه ریشه دارند. مهم‌تر از آن، نمونه‌های بسیاری از اقدام‌های توسعه در ایران را یادآوری کردند که از نظر پیامدهای اقتصادی، زیست‌محیطی، و سیاسی برای یک دوره زمانی موفق بودند، اما پس از مدتی از بین رفتند. از سوی دیگر، نمونه‌هایی را برشمردند که یک اجتماع توانمند با یادگیری و تلاش جمعی مستمر بر همه موانع و کمبودها غلبه کرده است. این حقایق نقش سه سرمایه کلیدی و استثنایی سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، و مشارکت — در میان سایر سرمایه‌ها — را در ایجاد شکلی پایدار و جامع از توسعه، که قبلاً در چارچوب پیشنهادی موتور توسعه شرح داده شد، تأیید می‌کنند.

پویایی نقش‌ها و کارکردهای سازمان‌های اجتماع‌محور

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، آنچه ایده پویایی مورد نیاز را به نظریه توسعه اجتماع‌محور می‌افزاید، مفهوم مشارکت است که در سازمان‌های اجتماع‌محور نهادینه می‌شود. همه فعالان به اهمیت ایجاد یا احیای سازمان‌های اجتماع‌محور اشاره کردند. مردم به‌طور سنتی در سازمان‌های اجتماع‌محور گردهم می‌آیند تا با همکاری خود از مزایای جمعی بهره‌مند شوند. همچنین، کنشگران

سعی در تسهیل ایجاد سازمان‌های اجتماع‌محور به عنوان بخشی از اولین اقدامات توسعه دارند. این نوع سازمان‌ها سطوح متنوعی از مشارکت را دارند. برخی از آن‌ها از مشارکت افراد تاثیرگذار، برخی از مشارکت جوانان، و برخی دیگر از مشارکت عمومی در مراحل مختلف فرایند توسعه بهره می‌برند. گذشته از انواع و اشکال مختلف مشارکت، سازمان‌های اجتماع‌محور در نظر همه صاحب‌ه‌شوندگان بسیار مهم تلقی می‌شدند. برخی از آن‌ها توضیح دادند که سازمان‌های اجتماع‌محور به عنوان نهادهای اصلی مشارکت، در فرایند اجتماع‌محور چگونه عمل می‌کنند و چگونه «حلقه‌های تقویت‌کننده» را برای توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی ایجاد می‌کنند. در جدول (۳)، کدهای نهایی به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها درباره عملکرد سازمان اجتماع‌محور ارائه شده است. سازمان‌های اجتماع‌محور قرار است چه نقشی در فرایند توسعه ایفا کنند؟ و چگونه نهادهای اقدام جمعی به آنچه که فعالان آن را توسعه می‌نامند، کمک می‌کنند؟

جدول ۳: کدهای مربوط به نقش‌ها و کارکردهای سازمان‌های اجتماع‌محور در فرایند توسعه محلی

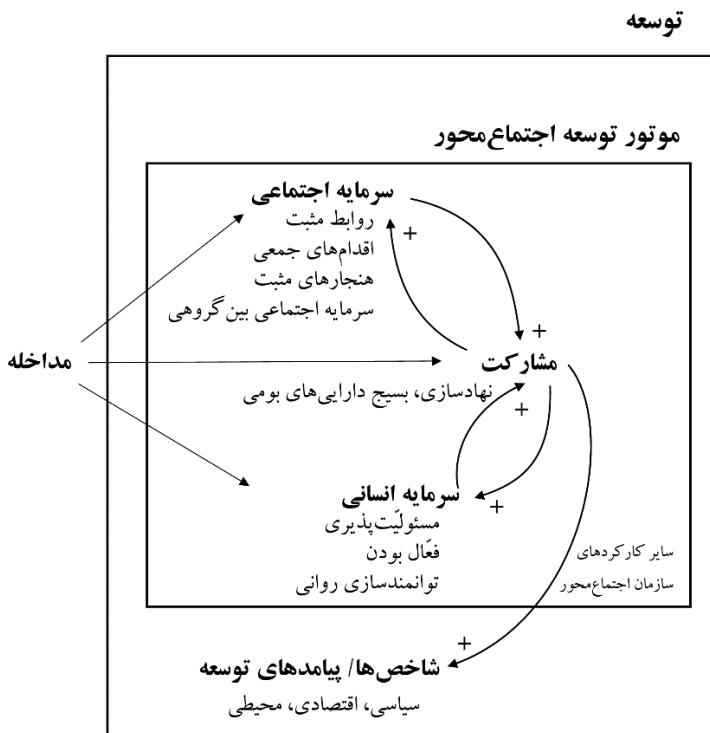
کارکردهای سازمان‌های اجتماع‌محور در فرایند توسعه محلی	کدهای نهایی
۱ مشارکت، بسیج، سازماندهی	انجام مشورت با افراد اجتماع محلی پیش از اجرای طرح‌های مهم و تصمیم‌گیری در مورد نحوه اجرا و تقسیم کار در پروژه‌ها، تصمیم‌گیری در مورد طرح‌ها و اعطای تسهیلات، نظارت دقیق بر اجرا و ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌ها، انجام پیگیری‌های اجرایی، گزارش، تهیه برنامه و طرح، بسیج منابع انسانی و مالی درونی، ایجاد دغدغه و دلسوزی با ایجاد احساس مالکیت، برقراری ارتباط با سایر افراد ذی‌نفع در اجتماع محلی و اقناع آن‌ها، ایجاد نهاد و مشارکت، عاملی برای پایداری مشارکت.
۲ ارتقای سرمایه انسانی	افزایش سرمایه انسانی و یادگیری بر اثر مشارکت عملی، ایجاد اعتماد به نفس از طریق آزادی عمل و حق انتخاب به اجتماع محلی، مدیریت دانش منطقه و جمع‌آوری اطلاعات، آموزش و توانمندسازی مردم در قالب تشکل، هم‌آموزی فنی درون کانون.
۳ ارتقای سرمایه اجتماعی	ایجاد فضای گفتگو، رفع تعارض و همکاری، ایجاد منافع مشترک، افزایش سرمایه اجتماعی (شناخت، اعتماد، انسجام) از دل بحث و گفتگو در مورد مسائل.
۴ کارکردهای سیاسی	مذاکره و مطالبه از طریق تشکل، ارتباط با بیرونی‌ها و امین نهادهای بیرونی، امکان یافتن حامی و افزایش اعتبار (وام گروهی)، جذب منابع از بیرون، کسب قدرت سیاسی و رسمیت یافتن برای ارتباط با بیرون.
۵ کارکردهای اقتصادی	تامین منابع مالی برای رفع نیاز اشخاص از طریق انباشت سرمایه، امکان تامین مالی طرح‌های عام‌المنفعه، ایجاد صرفه مقیاس، کوتاه شدن رویه‌ها و سهولت در انجام کارها (کاهش هزینه‌های مبادله).
۶ کارکردهای محیط‌زیستی	مدیریت جمعی مرتع و منابع طبیعی و اجتناب از ترازدی منابع مشترک، ایجاد فرق بومی، سرمایه‌گذاری مشترک در پروژه‌های آب‌خیزداری.

جدول (۳)، نشان می‌دهد که سازمان‌های اجتماع‌محور به عنوان یک نهاد مدیریت مشارکتی برای تصمیم‌گیری، اجرا، و نظارت جمعی شناخته می‌شوند. آن‌ها اساساً نهادهی برای ارزیابی‌های خودسازمانده و مشارکتی هستند. تصمیم‌گیری و اقدام جمعی به‌وضوح منافی ایجاد می‌کنند که ناشی از قدرت هم‌افزایی و مشروعیت و بسیج بیش‌تر مردم و ظرفیت‌های استفاده‌نشده و در نظر گرفتن صداهاى ناشنیده هستند. این سازماندهی گاهی توسط کنشگران خارجی تسهیل می‌شود تا مردم را به تفکر و تعامل موثرتر وادار کند. کدهای تحت این نوع کارکرد، دارای بیش‌ترین تکرار توسط فعالان بوده است.

علاوه بر این، داده‌های جمع‌آوری‌شده در مصاحبه‌ها، چارچوب پیشنهادی ما را در خصوص اهمیت مشارکت در افزایش سرمایه انسانی و اجتماعی کاملاً تأیید می‌کنند. در طی فرایند مشارکت، افراد و موسسه‌ها به یکدیگر متصل می‌شوند، اعتماد ایجاد می‌کنند، با یکدیگر همکاری می‌کنند، و به دستاوردهای جمعی و هویت‌ها، منافع، و اهداف مشترک می‌رسند و در نتیجه سرمایه اجتماعی رشد خواهد کرد. مردم برای توسعه به عنوان هدف مشترکی که با زندگی و آینده همه گره خورده است، به یکدیگر می‌پیوندند. بنابراین، توسعه می‌تواند بسیار الهام‌بخش و سازماندهی‌کننده باشد و می‌تواند روابط و پیوندهای آن‌ها را تقویت کند. از این گذشته، در طی این اقدام جمعی، افراد دربارهٔ یکدیگر و نحوهٔ ارتباط با دیگران بیش‌تر می‌آموزند و درک می‌کنند که برای رسیدن به آرزوهای خود نیاز به کار گروهی دارند. علاوه بر این، شرکت در گروه‌های کوچک (در این‌جا سازمان‌های اجتماع‌محور) نمونه‌های ملموسی از «موفقیت سریع» را در بافت محلی ایجاد می‌کند که می‌تواند هنجارهای مثبت اقدام و تلاش را برای توسعه در اجتماع ایجاد کند (مشارکت سرمایه اجتماعی). از سوی دیگر، افراد با تعامل با یکدیگر و تجربه اقدامات عملی، مهارت‌های خود را برای توسعه از جمله مهارت‌های همکاری و رهبری بهبود می‌بخشند و نقش اصلی خود را در فرایند توسعه درک می‌کنند. در این صورت، مسئولیت اجتماعی افزایش می‌یابد و مردم در سیاست‌های اجتماعی، خود را تعیین‌کننده می‌بینند و پی می‌برند به این‌که ظرفیت انجام کارهای بزرگ و بازیابی اعتماد به نفس را دارند. علاوه بر این، در نتیجهٔ مشارکت در برنامه‌ریزی و اجرا، حس خوشایند مالکیت در میان افراد ایجاد می‌شود که باعث تعهد بیش‌تر به پروژه‌ها خواهد شد. همچنین در حین مشارکت، با مکالمات و گفتگوهای جمعی در اقدامات قبلی خود تأمل می‌کنند و از یکدیگر بیش‌تر یاد می‌گیرند (مشارکت سرمایه انسانی).

کارکردهای سازمان اجتماع‌محور علاوه بر سرمایه‌های اجتماعی و انسانی به جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، و زیست‌محیطی نیز گسترش می‌یابد. این کارکردها با سایر شاخص‌های

ارائه شده در **جدول (۲)** مطابقت دارند. همان طور که در **شکل (۱)** نشان داده شده است، موتور توسعه اجتماع محور در چارچوب عمومی توسعه بر پایه های اصلی توسعه محلی شامل سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، و مشارکت محاط است و روابط پویای میان آن ها را شکل می دهد. عنصر مشارکت به عنوان یکی از ارکان کلیدی توسعه محلی و به واسطه سایر کارکردهای سازمان اجتماع محور بر شاخص های سیاسی، اقتصادی، و محیطی توسعه اثر می گذارد. در واقع، جمع کردن اجتماع محلی در یک نهاد داخلی (سازمان اجتماع محور)، امکان انجام اقدامات مختلفی را فراهم می کند که در غیر این صورت قابل تصور نبود.



شکل ۱: چارچوب نظری پویایی پایه های اصلی توسعه محلی اجتماع محور

کارکردهای سیاسی سازمان های اجتماع محور به این موضوع می پردازند که آن ها چگونه می توانند روابط خود با خارج از اجتماع را بهبود بخشند، به طور رسمی شناخته شوند، و قدرت

چانه‌زنی خود را به عنوان صدایی متحد افزایش دهند. از این نظر، سازمان اجتماع‌محور به ایجاد «سرمایه اجتماعی بین‌گروهی» کمک می‌کند و در نتیجه، آن‌ها می‌توانند منابع خارجی بیش‌تری برای توسعه بسیج کنند و اجازه دهند صدایشان به گوش دولت برسد و اقدامات‌شان به‌طور بوروکراتیک تسهیل شود. علاوه بر این، آن‌ها قادر خواهند بود خود را در خارج از اجتماع معرفی کنند و توانایی‌ها و دانش ارزشمند محلی خود را نشان دهند، موضوعی که معمولاً بدیهی تلقی می‌شود، در حالی که آن‌ها نمی‌دانند چگونه به زبانی صحبت کنند که افراد خارج اجتماع بفهمند و درک کنند. این چیزی است که سازمان اجتماع‌محور می‌تواند به صورت تدریجی یاد بگیرد تا به عنوان یک «دربان»^۱ که با زبان‌های هر دو طرف آشناست، عمل کند.

دسته دیگر کارکردها به منافع اقتصادی ناشی از اقدامات جمعی اشاره دارد. برخی از سازمان‌های اجتماع‌محور در ایران، ابتدا تنها با هدف تشکیل صندوق‌های خرد ایجاد می‌شوند. در این صندوق‌ها، اعضا مقادیر اندکی پول را به اشتراک می‌گذارند که معمولاً برای سرمایه‌گذاری جداگانه بسیار ناچیز است، اما وقتی انباشته می‌شود، قابل توجه است. این پول ممکن است در زیرساخت‌های مشترک برای منطقه سرمایه‌گذاری شود یا ممکن است به عنوان وام‌های کم‌بهره به افراد داده شود. مردم با وضع ضوابط و انتخاب نمایندگان، استفاده از پول و برگشت آن را مدیریت می‌کنند. یکی دیگر از کارویژه‌های اقتصادی سازمان‌های اجتماع‌محور به کارایی‌های ناشی از صرفه‌جویی در مقیاس و قدرت چانه‌زنی بیش‌تر در بازار می‌پردازد. در برخی از سازمان‌های اجتماع‌محور، جمع شدن می‌تواند امکان خرید از عمده‌فروشان با تخفیف‌های قابل توجه و کیفیت سفارشی بهتر را ایجاد کند. در کنار هم قرار گرفتن، سرمایه‌گذاری در زنجیره تامین و زیرساخت‌های تولید را مقرون به صرفه می‌کند؛ موضوعی که امکان استفاده از ظرفیت کامل آن‌ها را فراهم می‌کند. علاوه بر این، مردم با تامین بسیاری از نیازهای خود از طریق تعاملات غیررسمی و قابل اعتماد، هزینه‌های مبادله را کاهش خواهند داد.

آخرین ردیف در **جدول (۳)**، کارکردهای محیط‌زیستی سازمان‌های اجتماع‌محور را نشان می‌دهد. در بسیاری از مناطق، مسائل ناشی از استفاده ناهماهنگ از منابع طبیعی مشترک (فاجعه منابع مشترک)^۲ وجود دارد. برخی از فعالان بر ارزش افزوده سازمان‌های اجتماع‌محور تاکید کردند که در آن‌ها، ذی‌نفعان به موضوع بهره‌برداری پایدار فکر می‌کنند و همچنین برای سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌هایی مانند لوله‌کشی، سدها، تالاب‌ها، و غیره تصمیم می‌گیرند. علاوه بر این،

1. Gatekeeper
2. Tragedy of Commons

آن‌ها ممکن است توانایی حفاظت بهتر از قلمروهای طبیعی و زیست‌بوم را با تشکیل «قرق‌های بومی» به‌دست آورند.

تطبیق خوبی بین انواع شاخص‌ها و انواع کارکردهای قبلاً معرفی‌شده از سازمان اجتماع‌محور دیده می‌شود. آن مهم نشان می‌دهد که سازمان‌های اجتماع‌محور به‌خوبی در خدمت تحقق اهداف توسعه‌ای که توسط فعالان ایرانی بیان شده بود، قرار گرفته‌اند و علاوه بر آن، با روشن نگه داشتن موتور توسعه در دو حلقه تقویت‌کننده، به حرکت پایدار توسعه منجر می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد با توجه به ادبیات مربوطه و با جمع‌آوری بینش‌های جدیدی از فعالان ایرانی، چارچوبی برای رویکرد اجتماع‌محور به توسعه محلی ارائه شود. نتایج چارچوب استخراج‌شده از ادبیات نظری به‌خوبی پشتیبانی می‌کند و آن را گسترش می‌دهد. نگاهی به فراوانی کدهای استخراج‌شده نشان می‌دهد که فعالان ایرانی در مقایسه با جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، و زیست‌محیطی بر جنبه‌های اجتماعی و انسانی به عنوان پایه‌های اصلی توسعه محلی اجتماع‌محور تاکید بیش‌تری دارند. همچنین، تلاش کردیم دریابیم که در کشور ایران این مفاهیم کلی در نظریه اجتماع‌محور چه معانی و شاخص‌هایی می‌توانند داشته باشند.

نتایج نشان می‌دهد که سرمایه انسانی بیش‌تر با شاخص‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، فعال بودن، و توانمندسازی روانی سروکار دارد تا شاخص‌های متعارف سرمایه انسانی که سازمان‌های بین‌المللی دنبال می‌کنند. به همین ترتیب، سرمایه اجتماعی و مشارکت با روابط مثبت، اقدامات جمعی، هنجارهای مثبت، نهادهای پل‌زننده، و بسیج‌داری‌های بومی سروکار دارد که باز هم به‌طور کامل با شاخص‌های مُد روز در ابتکارات جهانی مانند سیستم‌های سیاسی دموکراتیک، ساختارهای اجتماعی برابر، برابری جنسیتی، و غیره مطابقت ندارد. این موضوع بر اهمیت استفاده از شاخص‌های مبتنی بر زمینه در مبانی کلی توسعه اجتماع‌محور بسته به وضعیت توسعه و تفاوت‌های اجتماعی جوامع تاکید دارد.

ما همچنین پویایی بین این مفاهیم اصلی را بررسی کردیم تا نحوه تعامل و تقویت درونی میان آن‌ها را دریابیم. دو حلقه تقویت‌کننده بین مشارکت و سرمایه اجتماعی و بین مشارکت و سرمایه انسانی شناسایی شد و آن‌ها به عنوان موتور توسعه‌ای معرفی شدند که به صورت تدریجی برای دستیابی به توسعه بیش‌تر اجتماع در سایر شاخص‌ها کار می‌کند. به دلیل ویژگی‌های استثنایی سرمایه‌های اجتماعی و انسانی، آن‌ها سوخت این موتور را که توسعه پایدار بلندمدت مقدور می‌سازد، تامین می‌کنند.

این پویایی‌ها در موتور توسعه می‌تواند معنای جدیدی برای توسعه محلی ایجاد کند. رویکردهای رایج ممکن است برای مدتی پیشرفت‌هایی را به دست آورند، اما نمی‌توان آن‌ها را توسعه پایدار نامید، زیرا با پویایی‌های اساسی اجتماع همخوانی ندارند. برای مثال، سرمایه اقتصادی تنها در صورت وجود امکانات، قابلیت‌ها، و نگرش‌های سرمایه‌گذاری مستمر در جامعه، امکان توسعه پایدار را فراهم می‌کند. در غیر این صورت، می‌تواند هر زمان و به محض خروج خارجی‌ها شکست بخورد. این نگاه نشان‌دهنده این مطلب است که تمرکز سازمان‌ها و فعالان توسعه محلی، بیش از این که بر مهیا کردن سرمایه‌های مالی و فیزیکی و ارائه خدمات و زیرساخت‌ها معطوف باشد (موضوعی که مقتضای توسعه در کشورهایی با منابع سرشار است)، باید بر آماده‌سازی حداقل‌هایی در سرمایه‌های انسانی و اجتماعی به عنوان سوخت موتور توسعه باشد. ارتباط فعالان توسعه با اجتماعات محلی نه تنها نباید باعث افزایش وابستگی آن‌ها شود، بلکه باید هرچه بیش‌تر احساس مسئولیت، امید، و عاملیت را به آن‌ها منتقل کند. همچنین، این ارتباطات نباید افراد، بلکه باید جمع‌ها و تشکلهای محلی را مخاطب خود قرار دهند و از بیرون، خدمات لازم را برای شکل‌گیری جمع‌های فعال (در تصمیم‌گیری و اجرا) و متناسب با نیاز واقعی آن‌ها در اختیار قرار دهند. این جمع‌ها باید در محور توسعه محلی قرار گیرند و دارای چشم‌انداز و برنامه حل مسائل باشند، نه این که تشکلی صوری برای گرفتن امکانات و خدمات تلقی شوند. این موضوع محقق نمی‌شود مگر این که مردم هر اجتماع محلی، مزایای واقعی جمع بودن را در تحقق توسعه از طریق بهبود مستمر زندگی خود احساس کنند. یافتن پاسخ این پرسش که چرا و چگونه «مشارکت» و اقدام جمعی به بهبود شاخص‌های توسعه منجر می‌شود؟ ما را به تمرکز بر عملکرد سازمان‌های اجتماع‌محور به عنوان نهادهای مشارکت هدایت کرد. نتایج نشان‌دهنده همسویی خوبی بین کارکردهای سازمان اجتماع‌محور و شاخص‌های توسعه محلی با روش‌های مختلف تقویت پیوندهای اجتماعی، توانمندسازی افراد، اجازه دادن به آن‌ها برای برقراری ارتباط بهتر با بیرون، ایجاد مزیت‌ها و کارایی‌های اقتصادی، و انجام اقدامات جمعی طرفدار محیط‌زیست است. با این که از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی در مورد توسعه‌های محلی، مشارکتی، و اجتماع‌محور ادبیات قابل توجهی تولید شده است، ولی تاکنون کم‌تر به چگونگی ارتباط میان مفاهیم اساسی و شاخص‌های آن‌ها در زمینه ایران پرداخته شده است. در این پژوهش نشان داده شد که چگونه شاخص‌های توسعه می‌توانند وابسته به وضعیت نهادی و تاریخی کشور باشند و این که چطور چنین وضعیتی به نگاه‌های جدیدی در فعالان توسعه در ایران منجر شده است. بر اساس مرور صورت‌گرفته، این نگاه به توسعه محلی و شاخص‌های مربوط به آن، تاکنون در مقالات و پژوهش‌های ایرانی مورد مطالعه قرار نگرفته است.

روش استفاده‌شده در پژوهش به ما بینشی دربارهٔ مسائل اصلی توسعه در جامعه ایران و نحوهٔ درک فعالان اجتماعی ایران از فرایند توسعه محلی اجتماع‌محور ارائه می‌کند. با این حال، محدودیت‌های ذاتی در این پژوهش وجود داشته است. نیاز به داده‌های کمی برای آزمایش و اعتبارسنجی نتایج در زمینهٔ وسیع‌تر و به تبع آن قابلیت تعمیم نتایج وجود دارد. همچنین، داده‌های زیادی دربارهٔ بافت فعالان اجتماعی جمع‌آوری نشده است و نمی‌توان قضاوت کرد که بافت، چگونه بر نگاه فعالان تاثیر می‌گذارد. بر اساس این و با توجه به این که فعالان اجتماعی انتخاب‌شده در نقاط مختلف کشور فعالیت کرده بودند، می‌توان نتیجه گرفت نتایج تا حد زیادی متناسب با بافت کلی کشور ایران، نه یک منطقه خاص جغرافیایی، است.

در نهایت، ما موضوعاتی را برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌کنیم که این پژوهش را بسط دهند. برای کاربردی‌تر کردن این پژوهش، باید درک کنیم که نقش افراد خارجی چه می‌تواند باشد و در کجای این فرایند می‌توانند برای روشن کردن موتور توسعه یا ادامه کار آن مداخله کنند. این موضوع به‌ویژه در مواردی که «ذخایر» اولیه کافی از سرمایه‌های اجتماعی یا انسانی در داخل منطقه وجود ندارد یا به‌خوبی برای توسعه بسیج نشده‌اند، بسیار مهم است. علاوه بر این، استفاده از شاخص‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌های ایرانی برای طراحی معیارهای کمی به منظور ساخت ابزارهای ارزیابی عملی حائز اهمیت است. انجام این کار نیازمند مصاحبه‌های بیش‌تری با فعالان برای کشف تعاریف عملیاتی آن‌ها از شاخص‌های به‌دست‌آمده است. علاوه بر این، مطالعات بیش‌تر می‌تواند بر پویایی بین سایر شاخص‌ها مانند شاخص‌های اقتصادی و سیاسی با شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی و انسانی متمرکز شود.

منابع

الف) انگلیسی

- Ahmadi Shapourabadi, M., & Mottaghi, S. L. (2022). Pathology and Monitoring of Rural Development Policies in Development Plans: Lessons for Developing Rural Development Executive Policies in the Seventh Development Plan. *Management and Development Process*, 35(3), 129-164. <http://jmdp.ir/article-1-4459-fa.html>
- Akerlof, G.A., & Kranton, R.E. (2010). Identity Economics. In Identity Economics: Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400834181>
- Anbari, M. (2016). Nightmare of "Development" and Rural Disquiet.

- Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(1), 171-187. https://jjsr.ut.ac.ir/article_58382.html?lang=en
- Bhattacharyya, J. (2004). Theorizing Community Development. *Community Development*, 34(2), 5-34. <https://doi.org/10.1080/15575330409490110>
- Chambers, R. (1994). Participatory Rural Appraisal (PRA): Challenges, Potentials and Paradigm. *World Development*, 22(10), 1437-1454. [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(94\)90030-2](https://doi.org/10.1016/0305-750X(94)90030-2)
- Davis, S. H., & Wali, A. (1993). Indigenous Views of Land and the Environment: World Bank.
- Emery, M., & Flora, C. (2006). Spiraling-Up: Mapping Community Transformation with Community Capitals Framework. *Community Development*, 37(1), 19-35. <https://doi.org/10.1080/15575330609490152>
- Evans, P. (1996). Government Action, Social Capital and Development: Reviewing the Evidence on Synergy. *World Development*, 24(6), 1119-1132. [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(96\)00021-6](https://doi.org/10.1016/0305-750X(96)00021-6)
- Frank, F., & Smith, A. (1999). The Community Development Handbook: A Tool to Build Community Capacity: Human Resources Development Canada Ottawa, ON.
- Gholipour Moghadam, F., Esmaili, R., & Hadi peykani, M. (2022). Implications of Socio-Cultural Sustainability of Marine-Based Development of Mokran Coastal Zone. *Management and Development Process*, 35(2), 165-192. <http://jmdp.ir/article-1-4396-fa.html>
- Golden, S. D., & Earp, J. A. L. (2012). Social Ecological Approaches to Individuals and Their Contexts: Twenty Years of Health Education & Behavior Health Promotion Interventions. *Health Education & Behavior*, 39(3), 364-372. <https://doi.org/10.1177/1090198111418634>
- Goulding, C. (2002). Grounded Theory: A Practical Guide for Management, Business, and Market Researchers: Sage.
- Harris, S. R. (2010). What is Constructionism? Navigating Its Use in Sociology: Lynne Rienner Publishers. <https://doi.org/10.1515/9781685854393>
- Israel, B. A., Schulz, A. J., Parker, E. A., & Becker, A. B. (1998). Review of Community-Based Research: Assessing Partnership Approaches to Improve Public Health. *Annual Review of Public Health*, 19(1), 173-202. <https://doi.org/10.1146/annurev.publhealth.19.1.173>
- Katouzian, M. A. (1974). Land Reform in Iran a Case Study in the Political Economy of Social Engineering. *The Journal of Peasant Studies*, 1(2), 220-239. <https://doi.org/10.1080/03066157408437885>
- Kilpatrick, S., Field, J., & Falk, I. (2003). Social Capital: An Analytical Tool for Exploring Lifelong Learning and Community

- Development. *British Educational Research Journal*, 29(3), 417-433.
<https://doi.org/10.1080/01411920301859>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry*: Sage.
- Mansuri, G., & Rao, V. (2004). Community-Based and-Driven Development: A Critical Review. *The World Bank Research Observer*, 19(1), 1-39.
<https://doi.org/10.1093/wbro/lkh012>
- Mansuri, G., & Rao, V. (2012). Localizing Development: Does Participation Work? A World Bank Policy Research Report. <https://doi.org/10.1596/978-0-8213-8256-1>
- Mathie, A., & Cunningham, G. (2003). From Clients to Citizens: Asset-Based Community Development as a Strategy for Community-Driven Development. *Development in Practice*, 13(5), 474-486.
<https://doi.org/10.1080/0961452032000125857>
- McLeroy, K. R., Norton, B. L., Kegler, M. C., Burdine, J. N., & Sumaya, C. V. (2003). Community-Based Interventions. *American Journal of Public Health*, 93(4), 529-533. <https://doi.org/10.2105/AJPH.93.4.529>
- Merzel, C., & D'Afflitti, J. (2003). Reconsidering Community-Based Health Promotion: Promise, Performance, and Potential. *American Journal of Public Health*, 93(4), 557-574. <https://doi.org/10.2105/AJPH.93.4.557>
- Midgley, J. (1981). *Professional Imperialism: Social Work in the Third World* (Vol. 16): Heinemann Educational Books.
- Murphy, J. W. (2014). *Community-Based Interventions: Philosophy and Action*: Springer. <https://doi.org/10.1007/978-1-4899-8020-5>
- Myrdal, G. (1957). *Economic Theory and Underdeveloped Regions: Rich Lands and Poor*.
- Pigg, K. E. (1999). Community Leadership and Community Theory: A Practical Synthesis. *Community Development*, 30(2), 196-212.
<https://doi.org/10.1080/15575339909489721>
- Putnam, R. D., Leonardi, R., & Nanetti, R. Y. (1992). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*: Princeton University Press.
- Rosato, M. (2015). A Framework and Methodology for Differentiating Community Intervention forms in Global Health. *Community Development Journal*, 50(2), 244-263. <https://doi.org/10.1093/cdj/bsu041>
- Roseland, M. (2000). Sustainable Community Development: Integrating Environmental, Economic, and Social Objectives. *Progress in Planning*, 54(2), 73-132. [https://doi.org/10.1016/S0305-9006\(00\)00003-9](https://doi.org/10.1016/S0305-9006(00)00003-9)
- Sandfort, J. R., & Bloomberg, L. (2012). InCommons: Supporting Community-Based Leadership. *Community Development*, 43(1), 12-30.
<https://doi.org/10.1080/15575330.2011.645045>
- Sen, A. (1999). *Development as Freedom*: Oxford University Press.

- Srivastva, S., & Cooperrider, D. (1987). *Appreciative Inquiry in Organizational Life: Research in Organizational Change and Development*: JAI Press.
- UNDP (2022). *Iran Country Profile*. <http://hdr.undp.org/en/countries/profiles/IRN>.
- Watkins, M., & Shulman, H. (2010). *Toward Psychologies of Liberation*: Palgrave Macmillan.
- Westoby, P. (2014). Theorising Dialogue for Community Development Practice-An Exploration of Crucial Thinkers. *Journal of Dialogue Studies*, 2(1), 69-86. <https://doi.org/10.55207/ZPGX7578>
- World Bank (2019). *The Changing Nature of Work*. <https://www.worldbank.org/en/publication/wdr2019>
- World Bank (2022). *World Bank Open Data Website*. <https://data.worldbank.org>.
- World Economic Forum (WEF) (2017). *The Global Human Capital Report 2017*. <https://www.weforum.org/reports/the-global-human-capital-report-2017/>

ب) فارسی

- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. انتشارات نی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی آن. انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۸). انسان شناسی باریگری. انتشارات ثالث.

نحوه ارجاع به مقاله:

نفیسی، علیرضا؛ اخوان علوی، سیدحسین، و ملکی، علی (۱۴۰۱). چارچوب نظری فهم فرایند توسعه محلی از دیدگاه فعالان جریان توسعه اجتماع محور در ایران. نشریه فرایند مدیریت و توسعه، ۳۵(۴)، ۱۵۰-۱۲۷.

Nafissi, A., Akhavan Alavi, H., Maleki, A. (2022). A Theoretical Framework for Local Development Process from the Viewpoints of Community-Based Development Activists in Iran. *Management and Development Process*, 35(4), 127-150.

DOI: [10.52547/jmdp.35.4.127](https://doi.org/10.52547/jmdp.35.4.127)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Management and Development. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

